

تاریخ پنهان آیه چهل — عدد، باب بیست و سه

حزقیال شماره چهارم

Jeff Pippenger

2026-08-09

حزقیال به عنوان «نبی ماتم» شناخته می‌شود، زیرا او نمادی از آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر است که در فصل نهم کتاب او برای مکروهات به عمل آمده در سرزمین و در کلیسا ماتم می‌کنند (آه می‌کشند و فریاد برمی‌آورند). در فرازی از Testimonies که در مقاله پیشین نقل کردیم، خواهر وایت چنین نگاشت: «خود نبی نیز غریبی بود در سرزمینی بیگانه، جایی که جاه‌طلبی بی‌حد و حصر و قساوت وحشیانه به طور مطلق فرمان می‌راند. آنچه او از استبداد و ظلم انسانی می‌دید و می‌شنید، جان او را به شدت می‌آزرد، و او شب و روز به تلخی ماتم می‌کرد.»

آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، «رانندگان اسرائیل» هستند که پراکنده شدند؛ چنان‌که به اسارت برده شدن حزقیال نمایانگر آن است. فرایند مهر شدن که در حزقیال ۹ به تصویر کشیده شده، همان است که در مکاشفه ۷ آمده است، و هر دوی آن باب‌ها به مثابه رویدادهایی در ایام آخر ارائه شده‌اند.

«این مهر نهادن بر بندگان خدا همان چیزی است که در رؤیا به حزقیال نشان داده شد.»
Testimonies to Ministers, 445

از تخت، خدا کروبیان را هدایت می‌کند و آنان نیز به نوبه خود چرخ‌ها را اداره می‌نمایند. حزقیال می‌بایست از این رؤیا درمی‌یافت که خدا در کنترل است، حتی در دوره‌ای که همه‌چیز در آشفتگی می‌نمود. خواهر وایت پس از آنکه ساختار خدا را بر تخت، در حال هدایت کروبیانی که امور زمین را اداره می‌کردند، بیان می‌کند، همان‌گونه که یوحنا را در قدس توصیف می‌نماید که مسیح در میان هفت کلیسا گام برمی‌داشت، می‌گوید: «به همین‌سان». حزقیال و یوحنا نماد کسانی هستند که در زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار تن زندگی می‌کنند؛ همان کسانی که، چنان‌که الهام ثبت کرده است، «صحنه‌هایی که باید در جهان ما به وقوع پیوندد، هنوز حتی به خواب کسی نیز نیامده است.»

بی‌تردید هنگامی که خواهر وایت آن کلمات را نگاشت، آن کلمات درست بودند، اما در زمان مهرگذاری، کمال تحقق خویش را می‌یابند. حدود بیست سال پیش، آیا تصور می‌کردید آنچه اکنون در جهان، همراه با هجوم انبوه ملخ‌های اسلام، در حال وقوع است؟ ملخ‌ها، به عنوان نمادی از اسلام در باب نهم مکاشفه، مهاجرت ملخ‌های شمال آفریقا را نیز در طبیعت در بر می‌گیرد. آن ملخ‌های هجوم‌آور آفریقا در مسیر مهاجرت خود با جغرافیایی همسو هستند که اسلام آن را به تصرف درآورد. اسلام از نسل اسماعیل است، و مادر اسماعیل هاجر بود. هاجر به معنای «گریز» یا «فرار کردن» است. در عربی، این نام معمولاً به صورت هاجر (هاجر) آورده می‌شود، و با همان ریشه‌ای مرتبط است که واژه هجرت (مهاجرت/گریز محمد) از آن پدید می‌آید. ریشه‌های اسلام نه تنها با هجوم انبوه ملخ‌ها مرتبط است، بلکه این ریشه‌ها معنای مهاجرت را نیز در بر دارد. آیا کسی هرگز تصور می‌کرد که مهاجرت غیرقانونی جلوه‌ای از ملخ اسلام باشد؟

آیا کسی در خواب هم می‌دید که کمونیست‌های جهانی با انبوه‌های اسلامی اتحادی تشکیل دهند؟ هر دو، یعنی اسلام و قدرت اژدهایی جهانی‌گرایان، به ترتیب در مکاشفه ۹ و ۱۱ از هاویه صعود می‌کنند، و هاویه نموداری از تجلی قدرت شیطانی است. بر طبق کتب حق، هر دو این متحدان کنونی ابزارهای شیطان‌اند.

«و چون شهادت خود را به پایان رسانند [یا: در حال به پایان رساندن باشند].» دوره‌ای که در آن دو شاهد می‌بایست در پلاس نبوت کنند، در سال ۱۷۹۸ به پایان رسید. هنگامی که به پایان کار خود در گمنامی نزدیک می‌شدند، می‌بایست آن قدرتی که از آن با عنوان «وحشی که از هاویه برمی‌آید» یاد شده است، با ایشان جنگ کند. در بسیاری از ملت‌های اروپا، قدرت‌هایی که در کلیسا و دولت فرمان می‌راندند، قرن‌ها از طریق دستگاه پاپی تحت مهار شیطان بوده‌اند. اما در اینجا تجلی تازه‌ای از قدرت شیطانی به نمایش گذاشته می‌شود.» The Great Controversy, 268.

خواهر وایت در اینجا ظهور سوسیالیسم را در دوران انقلاب فرانسه مشخص می‌سازد، و در عین حال اشاره می‌کند که شیطان همچنین قدرت پاپی را نیز در اختیار دارد. قدرت پاپی نیز در مکاشفه هفده از هاویه برمی‌آید، و در باب نهم مکاشفه، اسلام همان دودی است که از هاویه برخاست. نکته همچنان پابرجاست: آیا راستی الهام چنین مقصود داشت که «صحنه‌هایی که باید در جهان ما به وقوع پیوندند، هنوز حتی در خواب نیز دیده نشده‌اند»؟ چه کسی در خواب می‌دید که اسلام اکنون در سراسر اروپا گسترش یابد و اینک بر قاره‌های آمریکا فرود آید؟ آیا شما در خواب می‌دیدید که ملخ‌ها به وسیله جهانی‌گرایان سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و حزب دموکرات ایالات متحده در سراسر جهان پراکنده شوند؟

چه کسی گمان می‌برد که نهادهای آموزشی مغلوب ائتلاف کمونیستی و اسلامی‌ای شوند که اکنون با دلارهای مالیاتی شهروندانی تأمین مالی می‌شود که هرگز قصد نداشتند مالیاتشان برای نابودی همان ملتی به کار گرفته شود که این مالیات‌ها را تأمین می‌کند.

چه کسی گمان می‌برد که بریتانیای کبیر، ترویج و حمایت از آن را پیشه سازد که دختران سفیدپوست به دست اسلام به صورت گروهی مورد تجاوز قرار گیرند، ربوده شوند، زندانی شوند و به قتل برسند؟ بسیاری خاطرنشان می‌کنند که هر نظام کمونیستی که در سراسر تاریخ بشر پدید آمده، شکستی کامل بوده است؛ اما ثمره سوسیالیسم بریتانیا، به همان اندازه محکومیتی بر سوسیالیسم است که شکست فلسفه‌های اقتصادی و سیاسی آن نظام‌ها.

چه کسی می‌توانست تصور کند که به بازرگانان زمین اجازه داده شود تا زهرها را وارد کنند و بدین‌وسیله قتل‌عامی گسترده را به انجام رسانند که بیش از هفده میلیون نفر را دربر گیرد؟

چه کسی تصور می‌کرد که به مردانی چون جورج سوروس، بیل گیتس و آنتونی فائوچی اجازه داده شود اعمال شیطانی و شرارت‌بار خود را بی‌هیچ پیامدی به انجام رسانند؟

هنگامی که خواهر وایت اظهار داشت که صحنه‌هایی که به وقوع خواهند پیوست حتی به خواب نیز دیده نخواهند شد، این سخن را در زمینه زمان مهرشدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر بیان کرد. او در پی اظهارات خود درباره هشدار مسیح در متی بیست و چهار، چنین ثبت کرد: «این درس‌ها برای منفعت ماست. ما باید ایمان خود را بر خدا استوار نگاه داریم، زیرا درست در برابر ما زمانی قرار دارد که جان‌های آدمیان را خواهد آزمود. مسیح، بر کوه زیتون، داوری‌های هولناکی را که می‌بایست پیش از آمدن دوم او واقع شوند، بازگو کرد.»

درس‌هایی که او تازه به آن‌ها اشاره کرده بود، تمثیل‌های هر دو حزقیال و یوحنا در قدس بود، در حالی که می‌آموختند درک کنند که خدا بر همه چیز مسلط است. در میان آشفتگی و عصیان که اکنون در جریان است—آشفتگی و عصیان که تنها هرچه تاریخ به پیش می‌رود شدت خواهد گرفت—آنانی که پیام‌آوران خدا هستند، چنان‌که نه فقط حزقیال و یوحنا در هیکل، بلکه نیز اشعیا نماینده آنان‌اند، تنها در صورتی تاریخ را به گونه‌ای خواهند پیمود که خداوند را جلال دهد که دریابند حتی اموری که هرگز در خواب هم نمی‌دیدیم، همچنان تحت حاکمیت خدا هستند.

آن چرخ‌هایی که با چرخ‌های دیگر تلاقی دارند، شامل وقایعی هستند که هرگز در خواب و خیال نیز نمی‌گنجیدند، و این‌ها همان رویدادهایی هستند که در زمان مهر کردن، که از 9/11 آغاز شد، به وقوع می‌پیوندند. درس‌هایی که باید آموخته شوند، تنها به وسیله کسانی آموخته می‌شوند که به ایمان به قدس‌الاقداس داخل می‌شوند و مسیح و نور او را که از تابوت می‌درخشد، می‌بینند. هنگامی که آن جلال، چنان‌که در فصل دهم دانیال به وسیله دانیال به تصویر کشیده شده است، مشاهده می‌شود، گروهی که از نور بهره‌مند می‌شوند، از کسانی که از رؤیا گریختند، جدا می‌گردند.

و من، دانیال، به‌تنهایی رؤیا را دیدم؛ زیرا مردانی که با من بودند، رؤیا را ندیدند؛ اما لرزه‌ای عظیم بر ایشان افتاد، به‌گونه‌ای که گریختند تا خود را پنهان سازند. دانیال 10:7.

از فراز مقاله پیشین نکات بسیار بیشتری می‌توان استخراج کرد، اما در پایان این مقاله به یک چرخ خواهیم پرداخت. در مقاله گذشته به نمادپردازی عدد بیست‌وپنج اشاره کردیم، و پیش از آن نیز زمانی را به عدد سی اختصاص دادیم. نوری که از کتاب حزقیال برمی‌تابد صرفاً اعداد نمادین نیست، اما سودمند است که پیش از آغاز روشن ساختن برخی امور از میان این سردرگمی، نخست با پاره‌ای از آن نمادهای عددی آشنا شویم.

هفده

سه نبوت دویست‌وپنجاه‌ساله، دوره‌ای هفده‌ساله را مشخص می‌کنند که در پایان تاریخ کلیسای سمورنه آغاز می‌شود. از ۳۱۳ تا ۳۳۰، هفده سال، برپا ساختن تصویر وحش را به‌گونه‌ای نمادین نشان می‌دهد.

دویست و پنجاه سالی که در ۴۵۷ ق.م. آغاز شد، در ۲۰۷ ق.م. به پایان رسید، هفت سال پس از نبرد رافیا و ده سال پیش از نبرد پانیوم. از رافیا تا پانیوم هفده سال بود، و این تاریخ پنهان آیه چهل را، آن‌گونه که در آیات یازده تا پانزده دانیال یازده بیان شده است، بازنمایی می‌کند.

بطلمیوس چهارم فیلوپاتور (که با نام بطلمیوس چهارم نیز شناخته می‌شود) فرمانروایی بود که در سال ۲۱۷ پیش از میلاد در نبرد رافیا به پیروزی دست یافت. او از سال ۲۲۱ پیش از میلاد تا ۲۰۴ پیش از میلاد به‌عنوان پادشاه (و فرعون) مصر بطلمیوسی سلطنت کرد؛ از این‌رو، هفده سال فرمان راند. او سلطنت خود را پیش از نبرد رافیا آغاز کرد، اما پیش از نبرد پانیوم درگذشت.

نبرد رافیا، که نمایانگر جنگ اوکراین است، در سال ۲۰۴ آغاز شد، هنگامی که ایالات متحده یک انقلاب رنگی را در اوکراین پدید آورد. بطلمیوس چهارم، پادشاه جنوب، نمونه‌ای از ولادیمیر پوتین است که سلطنت خود را در سال ۲۰۰۰ آغاز کرد؛ یعنی یک سال پیش از آن‌که مهر و موم شدن صد و چهل و چهار هزار در سال ۲۰۰۱ آغاز شود. همان‌گونه که در مورد بطلمیوس بود، پوتین نیز پیش از جنگ اوکراین، که با نبرد رافیا و آغاز آن در سال ۲۰۱۴ نمونه‌سازی شده است، به سلطنت رسید. پیش از پانیوم، پوتین، چنان‌که به‌وسیله بطلمیوس نمونه‌سازی شده است، برکنار می‌شود. پوتین در سال ۲۰۰۰ به سلطنت رسید، و بدین‌سان با آغاز زمان مهر و موم، که در سال بعد یعنی ۲۰۰۱ شروع شد، هم‌راستا می‌گردد. هفده سال نمادین، چنان‌که به‌وسیله بطلمیوس نمایانده شده است، دوره‌ای را مشخص می‌کند که پوتین در آن سلطنت می‌کند، و او این کار را در خلال زمان مهر و موم انجام می‌دهد.

ترامپ که با پایان دویست‌وپنجاه سالی که در ۴۵۷ پیش از میلاد آغاز شد نمایانده می‌شود، در همان تاریخ پنهانی پوتین قرار دارد؛ تاریخی که هفده سال به طول می‌انجامد و از نبرد رافیا آغاز می‌شود. اژدها (پوتین) و نبی کاذب (ترامپ) در درون آن تاریخ پنهان قرار دارند. در آن تاریخ، وحش که به صورت «غارتگران قوم تو» معرفی شده و نماد قدرت پاپی است، در پایان هفده سال میان رافیا تا پانیوم قرار دارد.

سال ۳۲۱ نمایانگر قانون یکشنبه در ایالات متحده است، و ۳۲۱ در درون یک دوره هفده ساله از فرمان میلان در ۳۱۳ تا تقسیم امپراتوری در ۳۳۰ قرار دارد.

تاریخی که از آنچه «فصح عظیم یوشیا» خوانده می‌شود به تصویر کشیده شده است، هفدهمین چرخه یوبیل یهودیان را آغاز می‌کند. از فصح یوشیا، که بزرگ‌ترین احیا در عهد عتیق است، تا ۲۲ اکتبر، تاریخ میلری را از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بازنمایی می‌کند؛ اما مهم‌تر از آن، تاریخ ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه را نمایان می‌سازد. زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، به وسیله هفدهمین چرخه یوبیل از یوشیا تا ۲۲ اکتبر بازنمایی می‌شود. هفده نمادی است مرتبط با رویدادهای عمده زمان مهر شدن، و عدد هفده نقطه‌ای است که در آن چرخ‌های حزقیال با یکدیگر تلاقی می‌کنند.

در تاریخ پنهان آیه چهل دانیال، چنان‌که در آیات ده تا پانزده همان فصل به تصویر کشیده شده است، اژدها به واسطه سلطنت بطلمیوس با عدد «17» مرتبط است. تاریخ از نبرد رافیا در آیه یازدهم تا نبرد رافیا در آیه پانزدهم «17» سال است. آن تاریخ، دونالد ترامپ را در میانه آن هفده سالی قرار می‌دهد که آن دو نبرد نمایانگر آن هستند. تصویر حیوان که به وسیله ترامپ در ایالات متحده شکل داده شده و برپا می‌گردد، با «17» سال میان 313 تا 330 نمایانده می‌شود. در آیه یک از باب یک، حزقیال در سال سیام چرخه یوبیل «17th» است. آیا هرگز در خیال خود آورده بودید که عدد هفده نمایانگر یکی از چرخ‌هایی باشد که حزقیال در اقدس‌الاقداص دید؟

حزقیال نمادی است از کسانی که در زمان مهر شدن، به واسطه ایمان به قدس‌الاقداص داخل شده‌اند. آنان کاهنان پطرس‌اند.

شما نیز، همچون سنگ‌های زنده، بنا می‌شوید تا خانه‌ای روحانی و کهناتی مقدس باشید، تا قربانی‌های روحانی را که به واسطه عیسی مسیح مقبول خداست، تقدیم کنید. اول پطرس ۲:۵

به آنان مأموریت داده شده است که پیامی را به قوم عهد سابق خدا ابلاغ کنند؛ قومی که در آن هنگام از ایشان درمی‌گذرند، هرچند از پیش به آنان هشدار داده شده است که قوم عهد سابق خدا نخواهند دید و نخواهند شنید.

و به من گفت: «ای پسر انسان، شکمت را بخوران و اندرونیت را از این طوماری که به تو می‌دهم پر کن.» پس آن را خوردم؛ و در دهانم از شیرینی چون عسل بود. و به من گفت: «ای پسر انسان، نزد خاندان اسرائیل برو و سخنان مرا به ایشان بگو. زیرا تو نزد قومی با زبان بیگانه و گفتاری دشوار فرستاده نشده‌ای، بلکه نزد خاندان اسرائیل؛ نه نزد قوم‌های بسیار با زبان بیگانه و گفتاری دشوار، که سخنان ایشان را نتوانی فهمید. یقیناً اگر تو را نزد آنان فرستاده بودم، به تو گوش می‌دادند. اما خاندان اسرائیل به تو گوش نخواهند داد، زیرا به من گوش نمی‌دهند؛ چون تمامی خاندان اسرائیل گستاخ‌روی و سخت‌دل‌اند. اینک، روی تو را در برابر روی‌های ایشان استوار ساخته‌ام، و پیشانی تو را در برابر پیشانی‌های ایشان استوار گردانیده‌ام. پیشانی تو را همچون الماس، سخت‌تر از سنگ چخماق، ساخته‌ام؛ از ایشان مترس، و از نگاه‌هایشان هراسان مشو، هرچند آنان خاندان فتنه‌گر باشند.» حزقیال ۳:۹-۳۱

به حزقیال فرمان داده می‌شود که پیامی را به قوم پیشین عهد، آن‌گونه که در تاریخ میلری به وسیله پروتستان‌ها و در ایام آخر به وسیله کلیسای لائودیکیه‌ای ادونتیست‌های روز هفتم نمایان شده‌اند، اعلام کند. اگر او از اعلام این پیام سر باز زند، خون کسانی که بی‌هشدار وا گذاشته شده‌اند بر او خواهد بود.

ای پسر انسان، تو را برای خاندان اسرائیل دیده‌بان قرار داده‌ام؛ پس کلام را از دهان من بشنو و از جانب من ایشان را هشدار ده. هنگامی که به شیر می‌گویم: «بی‌گمان خواهی مرد»، و تو او را

هشدار ندهی و سخن نگویی تا شریر را از راه شیرانه‌اش برحذر داری و جان او را نجات دهی، همان مرد شریر در گناه خویش خواهد مرد؛ اما خون او را از دست تو خواهم طلبید. لیکن اگر تو شریر را هشدار دهی و او از شرارت خود و از راه شیرانه‌اش بازنگردد، او در گناه خویش خواهد مرد؛ اما تو جان خود را رهانیده‌ای. نیز هرگاه مرد عادل از عدالت خویش برگردد و گناه ورزد، و من سنگ لغزشی پیش روی او بگذارم، او خواهد مرد؛ چون تو او را هشدار نداده‌ای، او در گناه خود خواهد مرد، و اعمال عادلانه او که به‌جا آورده است به یاد آورده نخواهد شد؛ اما خون او را از دست تو خواهم طلبید. با این همه، اگر مرد عادل را هشدار دهی تا عادل گناه نکند، و او گناه نکند، یقیناً زنده خواهد ماند، زیرا هشدار یافته است؛ و تو نیز جان خود را رهانیده‌ای. حزقیال ۳: ۱۷-۲۱.

در یازده فصل نخست حزقیال، ویرانی اورشلیم به او نشان داده می‌شود؛ و این امر به‌واسطه رؤیاهایی که نزد نهر خابور، در هامون و در اورشلیم دیده شد، به تصویر کشیده می‌شود. به او مأموریت داده می‌شود تا هشدار درباره دآوری قریب‌الوقوع بر اورشلیم اعلام کند. پیام هشدار درباره دآوری قریب‌الوقوع بر اورشلیم، همان هشدار است که نخست به کلیسای لائودیکیه‌ای ادونتییست‌های روز هفتم داده می‌شود. این هشدار، دآوری و طرد قوم خدا را در اورشلیم، که مهر خدا را ندارند، معین می‌سازد. هشدار که حزقیال نمود آن بود، هشدار قانون یکشنبه قریب‌الوقوع است. در آن یازده فصل نخست، که این حقایق در آن‌ها بیان می‌شود، حزقیال گنگ گردانیده می‌شود، و پس از آن تنها هنگامی سخن می‌گوید که خدا به‌طور خاص دهان او را می‌گشاید؛ و این وضع تا هنگام ویرانی اورشلیم ادامه می‌یابد، آنگاه که او بار دیگر توان سخن گفتن می‌یابد.

آنگاه روح به من داخل شد و مرا بر پای‌هایم برپا داشت، و با من سخن گفت و به من گفت: برو و در خانه خود را بر خویشتن ببند. اما تو، ای پسر انسان، اینک بر تو بندها خواهند نهاد و تو را با آنها خواهند بست، و در میان ایشان بیرون نخواهی رفت. و زیانت را به کام دهانت خواهم چسبانید، تا لال شوی و برای ایشان سرزنش‌کننده نباشی؛ زیرا که ایشان خاندان یاعی‌اند. اما هنگامی که با تو سخن بگویم، دهانت را خواهم گشود، و به ایشان خواهی گفت: خداوند یهوه چنین می‌فرماید؛ آن که می‌شنود، بشنود؛ و آن که باز می‌ایستد، باز ایستد؛ زیرا که ایشان خاندان یاعی‌اند. حزقیال ۳: ۲۴-۲۷.

وقتی اورشلیم سقوط کرد، حزقیال بار دیگر توانست سخن بگوید.

و در سال دوازدهم اسارت ما، در ماه دهم، در روز پنجم ماه، واقع شد که یکی از گریختگان اورشلیم نزد من آمد و گفت: شهر سقوط کرده است. و دست خداوند در شامگاه بر من بود، پیش از آنکه آن گریخته نزد من برسد؛ و دهان مرا گشوده بود تا بامدادان که او نزد من آمد؛ و دهانم گشوده شد و دیگر لال نبودم. حزقیال ۲۱: ۲۳، ۲۲

سقوط اورشلیم نمایانگر سقوط کلیسای لائودیکیه‌ای ادونتییست‌های روز هفتم در ایام آخر است. آن سقوط در حالی رخ می‌دهد که کسانی که در باب نهم در اورشلیم مهر شده بودند، آنگاه به‌عنوان کلیسای ظافر برافراشته می‌شوند. لائودیکیه‌ای‌های درون اورشلیم بیرون گرفته می‌شوند، و یکصد و چهل و چهار هزار تن برافراشته می‌گردند، در حالی که پادشاهی جلال برقرار می‌شود. آن پادشاهی جلال به‌واسطه برقراری پادشاهی فیض بر صلیب، نمونه‌وار پیش‌نمایانده شد. پادشاهی فیض بر صلیب با پادشاهی جلال در قانون یکشنبه هم‌راستا است، و این دو پادشاهی در توالی تاریخ نبوی مندرج در کتاب حزقیال قرار داده شده‌اند. یازده باب نخست، هنگامی که حزقیال در چارچوب قدسگاه قرار داده شود، درباره تطهیر کلیسای خداست، آنگاه که قوم او از کلیسای مجاهد، که تعریف آن آمیزه‌ای از گندم و کرکاس است، به کلیسای ظافر تبدیل می‌شوند، که از هدیه گندمی پنتیکاست تشکیل شده است.

و تو، ای رئیس خدانشناس و شریر اسرائیل، که روزت فرا رسیده است، آنگاه که گناه به انجام خود خواهد رسید؛ خداوند یهوه چنین می‌فرماید: عمامه را بردار، و تاج را از سر بگیر؛ این دیگر همان نخواهد بود: پست را بلند کن، و بلند را پست گردان. آن را واژگون، واژگون، واژگون خواهی ساخت؛ و دیگر برقرار نخواهد ماند، تا آن‌که او بباید که حق از آن اوست؛ و آن را به وی خواهم داد. حزقیال ۲۷-۲۵:۲۱

صدقیا آخرین پادشاه یهودا بود، و او همان «رئیس شریر اسرائیل است که روز او فرا رسیده» در این آیات می‌باشد. نبوکدنصر در شرف تصرف اورشلیم بود و تاج صدقیا می‌بایست به وسیله بابل برداشته شود؛ بابلی که به دست مادها و پارسیان واژگون می‌شد، و آنان نیز به نوبه خود به دست یونانیان واژگون می‌گشتند، و یونانیان نیز به دست روم واژگون می‌شدند. سومین واژگون شدن به روم می‌رسد، یعنی به آن برهه از تاریخ که در آن پادشاهی که «حق اوست» تاج پادشاهی فیض را در هنگام برپا شدن آن پادشاهی بر صلیب دریافت خواهد کرد.

«برای آن "رئیس شریر بی‌حرمت"، روز حساب‌رسی نهایی فرا رسیده بود. خداوند حکم فرمود: "عمامه را بردار، و تاج را از سر بگیر." یهودا دیگر اجازه نمی‌یافت پادشاهی داشته باشد، مگر تا زمانی که خود مسیح پادشاهی خویش را برقرار سازد. "آن را واژگون خواهی کرد، واژگون، واژگون"، این بود فرمان الهی درباره تخت‌خاندان داوود؛ "و دیگر نخواهد بود، تا آن‌که آن کس بیاید که حق از آن اوست؛ و آن را به او خواهم داد." حزقیال ۲۷-۲۵:۲۱. انبیا و پادشاهان، ۴۵۱.

در زمان باران آخر، که با آغاز دآوری زندگان در ۱۱ سپتامبر آغاز شد، مسیح پادشاهی جلال خویش را برقرار می‌سازد.

«هنگامی که آن چهار فرشته رها کنند، مسیح پادشاهی خود را برقرار خواهد ساخت.» Spalding and Magan, 3

دوره‌ای از آمادگی از ۱۱ سپتامبر آغاز می‌شود، و در هنگام قانون یکشنبه، کوه مقدس جلیل بر فراز همه تپه‌ها و کوه‌ها برافراشته می‌گردد.

کلامی که اِشعیا پسر آموص درباره یهودا و اورشلیم دید. و در ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خانه خداوند بر قله کوه‌ها استوار خواهد گردید، و بر فراز تپه‌ها برافراشته خواهد شد؛ و جمیع امت‌ها به سوی آن روان خواهند شد. و قوم‌های بسیار رهسپار شده، خواهند گفت: بیایید تا به کوه خداوند، به خانه خدای یعقوب، برآییم؛ و او طریق‌های خویش را به ما خواهد آموخت، و ما در راه‌های او سلوک خواهیم نمود؛ زیرا از صهیون شریعت صادر خواهد شد، و کلام خداوند از اورشلیم. اشعیا ۲:۱-۳.

در ۱۱ سپتامبر، باده‌ها رها شدند و سپس بازداشت‌گردیدند، و بدین‌سان آغاز برپا شدن پادشاهی دانیال دو را نشان‌گذاری کردند؛ همان پادشاهی که به صورت سنگی بریده‌شده از کوه تصویر شده است که تمامی زمین را پر می‌کند.

«این رؤیا در سال ۱۸۴۷ داده شد، زمانی که از میان برادران ادونتیست، تنها عده‌ای بسیار اندک سبت را نگاه می‌داشتند، و از میان همینان نیز فقط معدودی بر این باور بودند که رعایت آن از چنان اهمیتی برخوردار است که میان قوم خدا و بی‌ایمانان خط تمایز بکشد. اکنون تحقق آن رؤیا در حال آشکار شدن است. «آغاز آن زمان تنگی»، که در اینجا از آن سخن رفته است، اشاره به زمانی ندارد که بلاها شروع به فرو ریختن خواهند کرد، بلکه به دوره‌ای کوتاه درست پیش از فرو ریختن آنها اشاره دارد، در حالی که مسیح در قدس است. در آن زمان، در حالی که کار نجات به پایان خود نزدیک می‌شود، تنگی بر زمین عارض خواهد شد، و امت‌ها خشمگین خواهند شد، با این حال مهار خواهند گردید تا مانع کار فرشته سوم نشوند. در آن زمان، «باران آخر»، یا تازگی‌ای از

حضور خداوند، خواهد آمد تا به آواز بلند فرشته سوم قوت بخشد و مقدسان را مهیا سازد تا در دوره‌ای که هفت بلای آخر فرو ریخته خواهد شد، پایدار بایستند. «Early Writings, 85.

مسیح در زمان باران آخر، ملکوت جاودانی خویش را برپا می‌سازد، و ملکوت او شامل ملکوت فیض است که بر صلیب برقرار شد، و نیز ملکوت جلال او در هنگام قانون یکشنبه. از صدقیا تا بابل (ملکوت نخست)، تا مادها و پارس‌ها (ملکوت دوم)، تا یونان (ملکوت سوم)، و سپس روم مشرک (ملکوت چهارم)، تاریخ منتهی به ملکوت فیض را مشخص می‌سازد. آن تاریخ، توالی تاریخی موازی‌ای را نشان می‌دهد: از روم پاپی (بابل روحانی، ملکوت پنجم)، تا ایالات متحده (مادها و پارس‌های روحانی، ملکوت ششم)، تا سازمان ملل متحد (یونان روحانی، ملکوت هفتم)، و سپس تا اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش، و نبی کاذب، که با هم روم مدرن را تشکیل می‌دهند (روم روحانی، ملکوت هشتم که از آن هفت است).

پیروزی آن پادشاهی در دانیال دو به‌وسیله صخره‌ای نمادین شده است، و امینان خدا سنگ‌ها در هیکل‌اند.

شما نیز، همچون سنگ‌های زنده، بنا نهاده می‌شوید تا خانه‌ای روحانی و کهناتی مقدس باشید، تا قربانی‌های روحانی را که به‌واسطه عیسی مسیح نزد خدا مقبول است، تقدیم کنید. اول پطرس ۲:۵.

آن جاودانه‌ای که بر پادشاهی‌های جهان غلبه می‌یابد و سراسر جهان را پر می‌سازد. در کتاب حزقیال، از باب چهارم تا پایان کتاب او، همان پادشاهی به صورت هیکلی به تصویر کشیده شده است که جهان را از آب حیات لبریز می‌سازد.

این مطالب را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.